فهرست

[پیشگفتار 2](#_Toc195362012)

[فروع نگاه غیرمستقیم 2](#_Toc195362013)

[فرع اول 2](#_Toc195362014)

[صورت اول 3](#_Toc195362015)

[صورت دوم 4](#_Toc195362016)

[فرع دوم 5](#_Toc195362017)

[ادله حرمت نظر 6](#_Toc195362018)

[دلیل اول: نظریه آیت‌الله خویی 6](#_Toc195362019)

[جواب مرحوم خویی 7](#_Toc195362020)

**موضوع: مبحث نگاه / استثنائات از عدم جواز نظر به اجنبی**

# پیشگفتار

برخی از مسائلی که در باب نظر در عروه و امثال عروه مطرح نیست، آغاز کردیم به عنوان مسائل احیاناً مستحدثه اگر هم مستحدثه نیست از مسائلی است که در اینجا در مباحث نظر مطرح نشده است، برخی از فروع آن در ابواب دیگر فقه از جمله در باب تخلی در کتاب طهارات مطرح شده است.

مسئله‌ای که محور این بحث بود، نگاه غیرمستقیم به معنای عام، در مقابل نگاه مستقیم بود.

نگاه مستقیم، نگاهی بود که چشم بدون هیچ واسطه محسوس و خاصی متوجه نامحرم می‌شد و در نقطه مقابل نگاه غیرمستقیم به معنای عام بود.

# فروع نگاه غیرمستقیم

در ابتدا دو سه مقدمه را ذکر کردیم که در جلسه قبل ملاحظه کردید پس از آن مقدمات به فروعی می‌پردازیم که در ذیل نگاه غیرمستقیم مطرح هست.

## فرع اول

اولین فرع در ذیل این بحث عبارت است از یک فرعی که نسبتاً آسان و ساده است و آن نگاه از خلال شیشه و احیاناً عینک و امثال اینها است. مواردی که مثل شیشه واسطه بین چشم و آن منظورالیه است که اینجا مراد همان منظورالیه‌ای است که نگاه به آن حرام است.

این ساده‌ترین فرع در این بحث نگاه غیرمستقیم است و در روزگار ما خیلی مبتلابه است شاید سابق به این صورت مورد ابتلا نبوده است به دلیل اینکه اجسام صیقلی که نور از آن عبور می‌کند، سابق خیلی گسترده نبوده است، مصادیق زیادی نداشته است و در روزگار ما به دلیل پیشرفت علمی و مسائل صنعتی مصداق‌های زیادی پیدا کرده است که ابرز مصادیق آن‌ها شیشه‌های شفافی که نگاه به اشیاء گاهی از آن‌ها صادر می‌شود. خانه‌ای هست و پنجره خانه که شیشه دارد، نگاه به چیزی می‌افتد یا در ماشین است نگاه به آینه که واسطه‌ای است بین دیدن، ناظر و منظورالیه.

یک مصداق متفاوت که باز در همین قسم قرار دادیم، عینک است، شیشه‌های عینک است، گاهی ممکن است کسی عینک را به عنوان تزیین به کار بگیرد، آنجا هیچ شماره‌ای ندارد و دید با وساطت آن شیشه عینک است که بدون آن هم فرقی نمی‌کند اینجا مثل شیشه خودرو و پنجره خانه است.

گاهی شیشه گاهی کمک به دید بیشتر می‌کند که غالباً این‌طور هست. شیشه عینک شماره دارد و کمک‌کننده به نگاه و دید بهتر است. این هم در این قرار می‌گیرد لااقل در عینک‌های متعارف و معمول این‌طور است. درواقع نور از آن می‌گذرد و تصویر از آن عبور می‌کند باهمان شکلی که در حقیقت نگاه اشاره کردیم. می‌شود آن را مستقیم شمرد.

بنابراین در بحث اول دو شکل متصور است؛

۱- آنجا که شیشه بدون اینکه شماره‌ای داشته باشد واسطه است چه شیشه پنجره خانه و چه شیشه اتومبیل و چه شیشه عادی عینک که بیشتر تزیینی باشد.

۲- این است که شیشه عینک باشد که شماره دارد، آنجا یک شیشه‌ای واسطه است منتهی شیشه‌ای است که مقداری نور را متمرکز می‌کند و تأثیراتی می‌گذارد که دید بهتر شود. ولی حکم، حکم همان نوع اول در فرع اول است و ظاهراً خیلی فرق نکند.

در قسم اول هم که شیشه واسطه باشد، آن هم مقصود شیشه‌ای است که منظورالیه را به طور شفاف می‌بیند.

اما اگر شیشه مشجر است که شفاف نمی‌شود دید، بحث دیگری است که در مسئله ۵۲ قرار می‌گیرد.

### صورت اول

فعلاً بحث این است که شیشه‌ای یا جسم صیقلی از قبیل شیشه‌های عادی یا شیشه‌های عینک در اقسام متفاوتی که دارد، واسطه بین ناظر و منظورالیه است.

اما اگر شیشه مشجری باشد که شفاف نیست، اینها در مسئله ۵۲ که بعد متعرض خواهیم شد مطرح می‌کنیم.

اینجا تمرکز روی این است که واسطه یک جسم صیقلی است که آن را نشان می‌دهد به طوری که شفاف است.

در اینجا هیچ شبهه و اشکالی وجود ندارد و کمتر در استفتائات و پرسش‌ها مطرح شده است. اتفاق‌نظر است که حرام است. نگاه به نامحرم چه بدون وساطت یک شیشه یا با واسطه شیشه ماشین یا پنجره خانه باشد فرقی نمی‌کند.

تلسکوپ مثل عینک است، اگر شفاف نشود یک بحثی دارد که بعد خواهیم گفت ولی اگر شفاف بشود مادامی که نور به طور مستقیم می‌آید و واسطه گاهی هیچ تأثیری نمی‌گذارد و گاهی تأثیر می‌گذارد در حد اینکه متمرکز بکند یا خیر، در آن قسم که در فرع اول گفتیم دو قسم است، این معمولاً گفته می‌شود که لا اشکال فی حرمة النظر در اینجا برای اینکه این واسطه نقشی نداشته است.

منتهی این دو صورتی که در ذیل فرع اول بود مقداری فرق دارد.

آنجا که شیشه است در اتومبیل یا خانه یا عینک‌های عادی که تزیینی است آنجا خیلی روشن است، برای اینکه در حالت اول از فرع اول بود و نبود آن فرقی نمی‌کند.

اگر نگاه عرفی داشته باشیم، عرف می‌گوید هیچ فرقی نمی‌کند. این شیشه جلوی چشم باشد یا نباشد می‌بینم.

و نگاه دقی علمی باشد، باز انعکاس نور است و انعکاس نور گاهی در فضا منعکس می‌شود و گاهی در جسم صیقلی واسطه می‌شود.

خود هوا و فضا و جسم صیقلی فرقی نمی‌کند و در نگاه دقی همین‌طور است.

بنابراین در صورت اول چه نگاه عرفی داشته باشیم بگوییم یصدق النظر الی فلان شئ و چه نگاه دقی داشته باشیم که قواعد فیزیکی و انعکاس نور را ببینیم، فرقی نمی‌کند.

### صورت دوم

آنجا که عینک باشد، تأثیری در کیفیت دید می‌گذارد یا ذره‌بین باشد یا تلسکوپ باشد، با تفاوتی که اینها باهم دارند.

در آنجا آن واسطه یک تأثیری هم می‌گذارد و به وضوح آن نوع اول نیست. نوع اول خیلی واضح است و عرف فرقی نمی‌گذارد، دقی هم نگاه شود فرقی که در این بحث تأثیرگذار است، ندارد.

اما در نوع دوم از این فرع اول که واسطه یک تأثیری می‌گذارد، آنجا به نظرمی آید علی‌رغم اینکه با نوع اول متفاوت است ولی یک نوع جهتی که ممیز باشد و در بحث تغییری ایجاد بکند، ندارد.

چون این کاری که این واسطه می‌کند همان تمرکز دادن یا تمرکز ندادن روی مسئله است.

الان که این را می‌بیند، مستقیم ببیند یا یک ذره‌بین بگذارد، باز همان فعل و انفعال ایجاد می‌شود منتهی چیزی شفاف می‌کند درحالی‌که شفاف نبوده است

اینجا همان بحثی که در مسئله ۵۲ خواهیم گفت، اگر چیزی همان فعل و انفعال عادی و متعارف را روشن‌تر کند و از غیر شفاف به شفاف تبدیل بکند این بعید است که تأثیری در تفاوت مسئله داشته باشد.

برای اینکه انعکاس همان انعکاس است، عرفی که خیلی واضح است که می‌گوید همان است و غیر عرفی هم واضح است منتهی واضح در این است که شفاف نبوده را شفاف کرده است.

کما اینکه در نقطه مقابل اگر نگاه شود، همین‌طور است و مسئله را واضح‌تر می‌کند، اگر نگاه همین‌طوری شفاف است و اگر عینکی می‌گذارد که آن را تار می‌کند و دیده نمی‌شود، آن وقت اشکال ندارد. آن طرف آن هم همین‌طور است.

اما اگر این واسطه می‌شود یعنی نور در جایی می‌شود و آن تبدیل به چیز دیگری می‌کند در مسئله فرع دوم وارد می‌شود.

آنجا که آینه و ماء زلال است و یک واسطه می‌خورد، یعنی نور اینجا منعکس می‌شود و از آنجا انعکاس پیدا می‌کند.

بنابراین دو نوع اینجا هست؛ یکی شیشه‌های عادی است، عینک بدون شماره، یا شیشه‌های خانه و ماشین و امثال اینها.

این در فرع اول واضح است که دقی نگاه کنیم یا عرفی نگاه کنیم، فرقی نمی‌کند، ادله‌ای که آن را می‌گیرد این را هم می‌گیرد.

صورت دوم فرع اول این است که واسطه در اینکه نور را متمرکز بکند تأثیری بگذارد؛ در اینجا اگر تأثیر واسطه فقط این است که نور را متمرکز و غیر متمرکز می‌کند این ظاهراً با قبلی فرقی نمی‌کند.

اما اگر واسطه واقعاً واسطه است یعنی آن فعل و انفعال انعکاس نور دوباره می‌شود یک بار این را می‌گیرد و مجدداً آن را ارسال می‌کند. اگر به این شکل احیاناً در این وسائط برساند، آن ملحق به فرع دوم می‌شود.

بنابراین چه به نگاه عرفی که سطحی و چه با نگاه عرفی دقی نگاه کنیم فرقی بین این صور نیست الا آنجا که در شق دوم آن پردازشی انجام شده باشد به‌گونه‌ای که دید دو مرحله‌ای بشود، محل بحث در فرع دوم وارد می‌شود.

در فرع اول در طیف متنوعی که برای آن ذکر شد و گفتیم اشکال دارد، اگر نظر عادی حرام است نظر با این واسطه‌ها هم حرام است، فرقی نیست، همین که نگاه به منظورالیه حرام بود، این واسطه‌ها هم باشد نظر حرام است چه شخص مرأه را بشناسد و چه نشناسد، التذاذ و ریبه باشد یا نباشد، هتک و عدم هتک که آن روز در استفتائات می‌خواندیم، در اینجا اینها فرقی نمی‌کند. همین‌که یحرم نظر الیه، در حال بدون وساطت شیشه یا عینک، حالا که اینها هم واسطه شد، یحرم النظر، مطلقاً. تفصیلاتی اینجا نیست. این مهم نیست و در کلمات کمتر مطرح است، در عروه در احکام تخلی، شیشه را دارد، ولی در استفتائات به دلیل اینکه وضوح دارد کمتر سؤال شده است لذا کمتر هست.

## فرع دوم

در فرع دوم مسئله حساس می‌شود و نیاز به دقت‌های بیشتر می‌باشد.

فرع دوم نگاه از طریق و با واسطه آینه و امثال آینه است از جمله آب زلال که صورت شخص در آن به نحو شفاف و نسبتاً نزدیک به اصل منعکس می‌شود.

هر جایی که یک جسم صیقلی و شفاف و زلالی باشد که تصاویر دیگران یا اشیاء دیگر در آن انعکاس پیدا می‌کند و می‌شود دیگران را با واسطه این تصویر منعکس شده دید، یا اشیاء دیگر را با واسطه این تصویر دید.

این صورت آینه و ماء زلال و امثال آن از اجسام صیقلی و شفاف در کلمات حداقل از زمان مرحوم نراقی مطرح بوده است و احتمالاً قبل از آن هم مطرح بوده است چون در روایات در بعضی مسائل آینه آمده است از جمله در جایی که می‌خواست خنثی را تشخیص بدهد، لازم بود که به عورت نگاه بکند می‌فرمود به آینه نگاه بکند. اگر محرمی پیدا نمی‌شود.

لذا این آینه مطرح بوده است و چون مطرح بوده است، بعید نیست که قبل از این دویست سیصد سال مسئله نگاه از طریق آینه و آب زلال مطرح باشد.

در اینجا آنچه اهمیت دارد این است که ابتدائاً به نظر می‌آید دید دو مرحله‌ای شد و بعضی از اقسام فرع سابق هم آنجا که دو مرحله بشود با واسطه عینک یا تلسکوپ و امثال آن اینجا مطرح می‌شود.

ویژگی فرع دوم که عبارت از آینه و آب و امثال آن باشد این است که دید در اینجا دید غیرمستقیمی است که دو مرحله‌ای شده است. آن نوری که طبق فرمول‌های امروز از جسم منعکس به آینه شد و از آینه منعکس به چشم شد، این دو مرحله‌ای شد.

به این دلیل است که فرع جدا می‌شود و محل مناقشات و مباحثات جدی‌تری است و در اینجا طبعاً اختلاف نظر هست. طبق همان چیزهایی که آن روز خواندیم که نقل شده بود، اینجا حداقل دو نظر وجود دارد و تفصیلاتی که اشاره شد.

نظری که می‌گوید جایز است که به بعضی اسناد داده شده بود و در بعضی استفتائات هم بود، از مرحوم نراقی و از بعضی از آقایان آنجا نقل شد.

فعلاً علی الطلاق این دو نظر جواز و عدم جواز وجود دارد.

در اینجا ادله حرمت را باید بررسی کنیم، اصل این است که ادله‌ای که افاده می‌کند حرمت نگاه به نامحرم را، با واسطه آن صورتی که در آینه یا در آب یا اجسام صیقلی قرار می‌گیرد.

گاهی به آن آینه نمی‌گویند، ولی یک سنگ مرمر شفافی است که صورت شخص در آن انعکاس پیدا می‌کند.

ملاک آن جسم شفافی است که صورت‌ها در آن انعکاس پیدا می‌کند. اگر صورت به شکل شفاف نیست در مسئله ۵۲ می‌رود که بحث خواهیم کرد، مثل شیشه مشجر و امثال اینها

اما فرض این است که این انعکاس در جسم شفاف پیدا می‌کند که نگاه به آن ولو غیرمستقیم است ولی به شکل شفاف آن شخص یا شئ را می‌بیند، روشن و مشخص است.

# ادله حرمت نظر

ادله‌ای در اینجا برای حرمت نظر اقامه شده است.

## دلیل اول: نظریه آیت‌الله خویی

از مرحوم آقای خویی در احکام تخلی است، (ایشان بحث موضوعی مطرح کرده‌اند، نه ادله لفظی بحث موضوعی و کارشناسی و علمی را مطرح کرده‌اند.)

ایشان می‌فرماید که در آینه و آب زلال نگاه غیرمستقیم نیست، ابتدا آدم فکر می‌کند که نگاه غیرمستقیم است، ولی درواقع نگاه غیرمستقیم نیست، این همان نور اولیه‌ای است که در چشم ما بازتاب پیدا کرده است، گاهی آن نور اول مستقیم می‌آید و گاهی غیرمستقیم ولی غیرمستقیم هم درواقع مستقیم است، همان تابشی است که به این می‌خورد به اینجا برمی‌گردد نه اینکه چیز دیگری بشود.

همان تابشی است که از آن جسم به واسطه نور به اینجا منعکس شده است مثل تیرک‌هایی است که چیزی را مستقیم به هدف یا جایی می‌زند، گاهی به جای دیگر می‌زند و همان به هدف می‌خورد. توپ و امثال اینها.

برای زدن هدف؛ یک بار این گلوله یا جسم را مستقیم به هدف می‌زنید، گاهی این را به دیواری می‌زنید و همان کمانه می‌کند به آن هدف برخورد می‌کند.

درواقع می‌گویند نور همان کمانه کردن است، عین اینکه جسمی مستقیم به هدف نمی‌خورد، به جایی برخورد می‌کند و کمانه می‌کند و به هدف برخورد می‌کند. این فرقی ندارد، همان چیز که به هدف می‌خواست بزند، یک وقت مستقیم می‌زند و یک وقت به جایی با یک دقتی می‌زند و از آن نقطه به هدف می‌خورد و این فرقی نمی‌کند.

این درواقع همان است، ولو اینکه واسطه خورده است، واسطه در اینجا دو تابش نیست، دو واقعیت فیزیکی نیست، یکی است منتهی گاهی مستقیم است و گاهی غیرمستقیم

غیرمستقیم این در حکم مستقیم است. این یک دلیل است بنابراین هر دلیلی که می‌گوید به نامحرم نگاه نکن، یغضوا من ابصارهم، لا یبدین، یا حرم الله النظر الی شعورهن و کذا و کذا در روایت محمد بن سنان، هر دلیلی که می‌گوید به نامحرم نگاه نکن، این را هم می‌گیرد برای اینکه وقتی عرف دقت می‌کند می‌بیند با آن فرقی ندارد همان تابش نور است که کمانه کرده است و به چشم ما برگشته است.

اینکه آیا خروج شعاع است، انتباع شبهه است یا انعکاس نور است که امروزه گفته می‌شود، اینها فرق می‌کند ولی در هر حال عرف در ارتکازش این را می‌فهمد که یک اتفاقی می‌افتد، به یکی از این انحاء، کدام یک باشد فرقی نمی‌کند.

این مسئله‌ای است که ایشان می‌فرماید و شواهدی آورده است که این همان است و غیر از این نیست.

## جواب مرحوم خویی

منتهی این را معمولاً نپذیرفتند، برای اینکه از نظر عرفی هر طور تصویر بکنیم چه بگوییم دو عملیات اینجا انجام می‌شود، دو ساز و کار هست، دو مرحله‌ای است به معنای اینکه دو انعکاس و دو بازتاب است و چه بگوییم یک تابش است اما واسطه خورده است، اما این دو مرحله است، همان‌جا که کمانه می‌کند و بعد به چیز دیگری می‌خورد، آنجا هم واسطه خورده است.

بنابراین عرف می‌گوید این با آن فرق می‌کند ولو اینکه یکی باشد و کمانه می‌کند و به چشم ناظر برمی‌گردد.

ثانیاً از نظر علمی هم این مسئله خیلی واضح نیست که این‌طور باشد، ظاهراً این دو بازتاب نور و دو انعکاس نور است. نور که به این می‌خورد یک چیزی به آن منعکس می‌شود، بعد هم تابش دیگری است که از آنجا به چشم می‌آید.

دلیل این است که تابش بعدی کم و زیاد می‌شود و حدت و شدت نور آن را متفاوت می‌کند.